

تبیین ایثار به مثابه مبنا، اصل و روش تربیتی با تأکید بر مبادی سه‌گانه عمل

مریم نمان* / وزه رحیمیب زادگان^۱

چکیده

حفظ و گسترش تعاملات انسانی مستلزم مقید بودن به فضایی همچون ایثار است که متضمن نتایج مطلوب بسیاری از بعد فردی و اجتماعی؛ و ضامن سلامت روابط انسانی است. هدف این پژوهش بررسی مبانی فلسفی ایثار و تبیین بالقوگی‌های تربیتی آن با تأکید بر مبادی سه‌گانه عمل (از منظر نظریه انسان عامل^۲) بود. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، ضمن بررسی مبانی فلسفی ایثار به عنوان یک عمل اخلاقی - معرفتی، با نظر به مبادی سه‌گانه عمل، جایگاه آن را در تربیت اسلامی ابتدا از جهت هدف غایی و اهداف واسطی و سپس در جایگاه مبنا، اصل و روش به طور مجزا تحلیل کرده است. یافته‌ها نشان داد اگرچه شرط پذیرش عمل ایثارگرایانه از منظر اسلام توجه همزمان به مبادی سه‌گانه عمل (شناختی، گرایشی و ارادی) است، اسلام بر مبدأ شناختی تأکید دارد. در ادامه ضمن تصریح نظر اسلام در عدم توجه به ایثار به عنوان هدف غایی تربیت، به اهداف واسطی هشت‌گانه در ارتباط با دستیابی به مقام ایثار اشاره شده است و پس از آن جایگاه ایثار به عنوان مبنا، اصل و روش به طور مجزا بررسی و دلالت‌های تربیتی هر یک تبیین شده است. به طور مثال ایثار به منزله مبنا در برگیرنده سه اصل و هر اصل متضمن یک روش است. در نهایت این نکته نیز تأمل برانگیز است که وجه مشترک عاملان در اقدام به عمل ایثارگرایانه در اولویت قرار گرفتن متعلق ایثار در لحظه اقدام عملی است.

کلید واژه‌ها: مبانی فلسفی، ایثار، مبادی عمل، مبانی تربیتی

۱. نویسنده مسئول: استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران
mbanahan@gmail.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران
* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی مبانی فلسفی ایثار و تبیین دلالت‌های تربیتی آن از منظر اسلام» است.

۳. نظریه انسان عامل را دکتر خسرو باقری تبیین کرده است.

مقدمه و بیان مسأله

حرکت به سوی تکنولوژی و صنعت به قدری انسان امروزی را درگیر مادیات کرده که از توجه به امور معنوی و اخلاقیات محروم مانده است و این درحالی است که اهمیت وجود اخلاق در زندگی فردی و اجتماعی انکارناپذیر است. به علاوه گسترش تفکرات مادی‌گرایانه و اومانیستی افراطی که انسان را به منزله قدرت برتری می‌داند که همه چیز تحت اراده و اختیار اوست موجب شده تا مفاهیم مربوط به انسانیت و اخلاق نوع دوستانه به چالش کشیده شود. در این میان به نظر می‌رسد برخی آموزه‌های اخلاقی چون «ایثار» مفاهیم بنیادی‌تری را در بر داشته باشند، چرا که گذشتن از حق خویش و مقدم شمردن دیگری، زیربنای بسیاری از امور اخلاقی قرار می‌گیرد. از سویی دیگر چون ایثار صفتی است که در تعامل انسان با دیگران پدید می‌آید، ضرورت پرداختن به آن در جامعه برای تحکیم روابط اجتماعی و حسن سلوک با دیگران روشن می‌شود. از سویی دیگر، در شرایط کنونی جهان، که زمینه اختلاط فرهنگی به جهت کمرنگ شدن مرزهای جغرافیایی فراهم آمده است و نگرش‌های تاریخی‌گرایانه و نسبی‌گرای فضایی مساعد برای عدم اعتقاد به مرجعیت اصول مشترک انسانی فراهم آورده است، یادآوری فضایل نیکوی انسانی چون ایثار ضرورت می‌یابد که در آن نفع دیگری بر نفع شخصی مقدم است.

به خود رهاشدگی در عالم و عنبود تکیه گاهی امن، آدمی را بر سر دو راهی انتخاب قرار می‌دهد، نتیجه و پایان مبهم، میل به انتخاب را زایل می‌کند. «در صورتی که مقدر بودن جهان نامعین و در نظر گرفتن صاحبی نیرومند برای آن، آدمی را از گوشه خوف بیرون می‌کشد و سبب می‌شود که با اطمینان به عمل دست زند. این تقدیر که در اختیار نیرویی برتر (خداوند) است، آرامشی را در دل آدمی می‌آفریند که او را قادر به عمل می‌کند. عدم تعیین جهان و مقدر بودن آن، چونان دو قطب خوف و رجاء آدمی را در وضعیت ناپایدار، اما مطمئنی قرار می‌دهند که راه را بر عامل بودن وی هموار می‌کند. در این حالت، آدمی با اطمینان از اینکه جهان اطراف او با وجود عدم تعیین صاحبی دارد که مقدرات آن را در دست دارد و با علم به این که آن قادر حکیم، مقدرات آدمی را با توجه به اعمال وی رقم می‌زند، عمل می‌کند و عاملیت خویش را در این عرصه به نمایش می‌گذارد.» (باقری، سجادیه، ۱۳۸۴: ۱۲۸)

انسان در کشاکش نیروهای مختلف محیطی، خود منشأ عمل است و با اعمال خویش

هويت خود را رقم می‌زند. انسان به منزله عامل، تصویری است که نگرش اسلامی درباره انسان به دست می‌دهد، صرف نظر از اینکه چه هویتی یافته باشد و به چه راهی رفته باشد: مردم در دنیا عاملند^۱ و از این حیث دو دسته هستند: یکی عاملی است که در دنیا برای دنیا کار می‌کند و دیگری، عاملی است که در دنیا برای آنچه عمل می‌کند که پس از آن به ظهور خواهد رسید (باقری، ۱۳۷۵: ۲۴). مطابق این معنا فرد ايتارگر عامل به عمل است و آگاهانه و مقتدرانه و با میل خود ايتار را انتخاب می‌کند و منشأ فضیلتی والا برای خویش و تعالی وجودی خویش می‌شود. ايتار در جایگاه فضیلت و عمل اخلاقی، مصادیق گوناگونی دارد: آن جا که معلمی هر روز با کم‌ترین میزان امکانات و حقوق مسافتی طولانی را برای آموزش در روستایی محروم طی می‌کند، آن جا که کارمندی وظیفه شناس بدون چشمداشت از زمان استراحت خود در عین خستگی می‌گذرد تا کار مراجعش را انجام دهد، آن جا که مادری از خواب و خوراک خود می‌گذرد تا به امور فرزندش رسیدگی کند و... همگی از جلوه‌های ايتار است. اما ايتار به معنای خاص آن همان است که شهید مطهری بیان می‌کند: «شهادت و از جان گذشتگی بالاترین درجه ايتار و یک حقیقت ازلی و ابدی است که به تمام وجود و هستی فرد ارزش و ابدیت می‌بخشد.» (مطهری، ۱۳۸۰).

مسئله این پژوهش تبیین مبانی فلسفی ايتار و تحلیل دلالت‌های تربیتی آن با تأکید بر مبادی سه گانه عمل بود. لذا پژوهش حاضر در اولین گام مترصد تبیین مبانی فکری و فلسفی عمل ايتارگرانه با ابتناء بر دین مبین اسلام بود تا ضمن بحث پیرامون ايتار به معنای عام آن، مبادی این عمل را استخراج کند. در خصوص مبادی عمل نیز «براساس متون اسلامی دست کم می‌توان به سه مبنای اساسی برای عمل آدمی اشاره کرد: مبنای شناختی، مبنای گرایشی و مبنای ارادی - اختیاری. لذا برای اینکه بتوان عملی را به انسان منسوب نمود، لازم است او تصویر و تصویری شناختی از آن بیابد، گرایش و تمایلی برای تحقق آن داشته باشد و اراده و اختیار وی به تحقق آن معطوف شود (باقری، ۱۳۸۸: ۱۱). بدین جهت این پژوهش برآن بود تا ايتار را در جایگاه یک عمل اخلاقی - معرفتی بررسی قرار دهد. صحت ايتار به عنوان عمل، مشروط به وجود ویژگی‌هایی برای نفس عمل و نیز برای عامل به آن است. این مهم با ارجاع به مبادی

۱. الناس فی الدنيا عاملان: عامل عمل فی الدنيا للدنيا . و عامل عمل فی الدنيا لما بعدها (نهج البلاغه، حکمت ۲۶۹)

سه‌گانه عمل انجام شده است. پس از نگاهی به مبانی فلسفی اسلام و استنباط مبادی نگاه آن نسبت به عمل ایثارگرانه، در گام دوم جایگاه ایثار از منظر تربیت اسلامی در ارتباط با هدف غایی و واسطی مشخص شده و در نهایت تصریح شده است که چگونه ایثار می‌تواند در هریک از جایگاه‌های مبنا، اصل و روش واقع شده و در هر جایگاه، متضمن دلالت‌هایی برای تربیت باشد.

مفهوم‌شناسی ایثار

در این بخش از پژوهش ابتدا ضمن مفهوم‌شناسی ایثار، بین آن با مفاهیم مشابه تمایز تمایز قائل شده، انواع ایثار و معیار اخلاقی بودن آن مطرح و سپس با توجه به مبانی فلسفی اسلام، مفهوم و جایگاه ایثار با نظر به مبادی سه‌گانه عمل تحلیل شده است.

ایثار در لغت به معنای برگزیدن، عطا کردن، غرض دیگران را بر غرض خویش مقدم داشتن، منفعت غیر را بر مصلحت خود مقدم شمردن است که کمال درجه سخاوت را شامل می‌شود. فرهنگ عمید (۱۳۸۲) نیز ایثار را به معنای بذل کردن، دیگری را بر خود برتری دادن و سود او را بر سود خود مقدم داشتن یا قوت لازم و مایحتاج خود را به دیگری بخشیدن، آورده است.

در اینجا به منظور ارائه تعریف دقیق‌تری از مفهوم ایثار لازم است نگاهی هم به مفاهیم نزدیک به آن انداخته شود تا در پرتو آن ضمن ارائه تعریفی جامع، حدود و ثغور این عمل اخلاقی را روشن شود:

۱- انفاق

انفاق یعنی خرج مال در راه خدا اعم از واجب و مستحب، از چیزهایی است که قرآن و روایات درباره آن بسیار تشویق کرده‌اند و آن یکی از اسباب تعدیل ثروت و پر کردن شکاف جوامع است. خداوند نیز در آیه ۲۶۱ سوره بقره، کار اهل انفاق را به زراعی تشبیه کرده که با کاشتن یک دانه، هفتصد دانه و بلکه بیشتر به دست می‌آورند (قرشی بنابی، ۱۳۷۵: ۹۸). مفهوم انفاق از آن جهت با مفهوم ایثار قرابت دارد که در هر دو، بخشش و گذشت از داشته‌ها اتفاق می‌افتد، اما این تفاوت در مفهوم آن‌ها نهفته است که در انفاق ممکن است بخشی از مال خود

را به مستمند بدهيم، اما در ايتار بنا بر تعريف آن تمامی دارايی خود را در شرايطی که خود نیز به آن نیازمندیم به مستمند می دهيم.

۲- سخاوت

سخاوت در لغت به معنای جود و بخشش بوده و حد وسط بين اسراف و بخل است و در اصطلاح به ملکه بذل مال به مستحق، بدون درخواست سائل و به میزان شايسته گفته می شود که از مشهورترین صفات پيغمبران خدا و معروفترین اخلاق اصفیاء و اولیاست (نراقی، ۱۳۹۰).

۳- عفو و گذشت

عفو و اغماض زمانی به کار می رود که فرد بخواهد در مقابل ستمی که به او شده یا حقی که از او ضایع شده ضمن کظم غیظ، گذشت و مدارا نماید. البته باید این نکته را در نظر داشت که در اسلام عفو و گذشت موارد خاص خودش را دارد و با احقاق حق و مبارزه با ظالم هیچ منافاتی ندارد. بنابراین، میان دو خصیصه ايتار و عفو و گذشت وجه اشتراکی وجود دارد و آن گذشتن از حق خود است، اما در ايتار، از حق خود می گذری در حالی که بدان نیاز داری و حال آنکه در عفو و گذشت از حق خود در مقابل ستمی که بر تو روا شده می گذری. اکنون با توجه مطالب مذکور می توان تعريف روشن تری از مفهوم ايتار ارائه داد و شاخصه های آن را مشخص کرد:

ايتار فضیلت نفسانی است که شخص بر خود تنگ می گیرد تا آنکه به مستحق آن بذل کند. کسی متصف به این صفت نیکوست که با احتیاج وی به مال، خرج نمی کند تا آنکه به دیگران ايتار کند (بانوی اصفهانی، ۱۳۶۰: ۴۵).

بر این اساس شاخصه های مفهوم ايتار را می توان چنین بیان کرد:

- ۱- ايتار یک فضیلت نفسانی است؛
- ۲- لازمه ايتار ترجیح دیگری بر خود است؛
- ۳- نادیده گرفتن خود، از ملزومات ايتار است؛
- ۴- قصد و نیت خیر در ايتار وجود دارد؛
- ۵- آگاهانه صورت می گیرد؛
- ۶- فرد ايتارگر از تمام داشته های خود می گذرد نه از بخشی از آن (چون در این صورت کار او انفاق محسوب می شود)؛
- ۷- فرد ايتارگر در حالی از داشته اش می گذرد که

خود نیز بدان نیازمند است.

اکنون این سؤال پیش می‌آید که جایگاه ایثار در علم اخلاق چیست و آیا از منظر علمای اخلاق هر نوع ایثار و فداکاری برای غیر، عملی اخلاقی محسوب می‌شود؟ در پاسخ به این سؤال که کدام یک از افعال نیکوی انسان، اخلاقی محسوب می‌شوند، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که هر یک معیاری را برای فعل اخلاقی به دست داده‌اند. از مجموع این آرا و با نظر به آن چه در مبانی دین مبین اسلام آمده است، می‌توان گفت که قطعاً هر فعلی که براساس تعریف لغوی، ایثار نامیده شود، نمی‌تواند عنوان اخلاقی به خود بگیرد چرا که در تعریف لغوی ایثار، قصد و نیت آن گنجانده نشده است، حال آنکه در افعال اخلاقی، نیت و قصد فاعل تعیین‌کننده است. بنابراین، هرگاه کسی به خاطر حب شهرت و خوشنامی یا به خاطر تعصبات قومی و فامیلی و مواردی از این دست یا حتی از روی طبیعتش دیگری را بر خود برگزیند الزاماً فعل اخلاقی انجام نداده است. چرا که خیلی اوقات اتفاق می‌افتد که افرادی تحت تأثیر احساسات خاص میهنی یا غیر میهنی یا خودخواهی یا برای اینکه نامشان در تاریخ بماند حتی جان خود را فدا می‌کنند، اما کارشان با هدف رسیدن به کمال نهایی و قرب به خداوند نیست. اگرچه که فعل آن‌ها هم ایثار نامیده می‌شود، ولی از نظر اخلاقی ارزشمند نیست و شاید نوعی خودخواهی یا خودشیفتگی هم محسوب شود. هم چنین مادری که حاضر است برای فرزندش هرگونه فداکاری انجام دهد اگرچه که از منظر لغوی، شخص فداکار و ایثارگری است، اما چون یک نوع اجبار و الزام طبیعی و غریزی حکم به انجام آن کرده است و مادر تنها در مقابل فرزندش چنین رفتاری را بروز می‌دهد و نسبت به دیگران چنین احساسی ندارد، نمی‌توان فعلش را اخلاقی نامید. از منظر «نظریه انسان عامل» عمل، رفتاری است که لازم است بر مبادی معینی استوار شده باشد، حداقل مبادی لازم برای آنکه رفتاری به عمل تبدیل شود، سه مبدأ است: مبدأ معرفتی، مبدأ میلی و مبدأ ارادی (باقری، ۱۳۷۵: ۲۴).

از سوی دیگر نگاهی به منابع دینی بیان‌کننده محوری بودن نقش عمل در هویت آدمی است به طوری که می‌توان هویت هر فرد را برآیند اعمال او دانست. از این رو، اگر بگوییم هر فردی معادل عملی است که انجام داده است، سخنی به گزاف نخواهد بود و حتی فراتر از این می‌توان گفت هر فردی عین عملی است که انجام داده است. چنانکه «نظریه اسلامی عمل» در تعریف انسان، عمل را در مقام مؤلفه‌ای محوری و اساسی قرار می‌دهد که خود دارای

مبادی سه گانه و آثار سه گانه است (سجادیه، ۱۳۹۴: ۱۰۵). بر این اساس می توان گفت عمل اخلاقی نیز عملی است که ابتناء بر این مبادی داشته باشد. لذا ایثار نیز به عنوان یک عمل اخلاقی و نه به عنوان برآوردی از هیجانان فردی، مستلزم ابتناء بر این مبادی است. نکته تأمل درباره ایثار آن است که از منظر اسلامی در صورتی ایثارگر عامل به ایثار است که عملش از هر سه مبدأ عمل برخوردار باشد. یعنی از روی شناخت و آگاهی، میلی در انسان نسبت به آن ایجاد شود و انسان آن را اراده کند و به فعلیت برساند، اگر ایثار صرفاً بر مبنای گرایش و میل انجام شود جنبه انفعالی محض می یابد. اگرچه تدبر در آیات قرآن آشکار می کند که تأکید بیشتر بر مبادی معرفتی و ارادی عمل است که مبنای جزا و پاداش الهی قرار می گیرد. لذا در دعوت به عمل انفاق در راستای تربیت دینی به هر سه مبدأ معرفت، میل و اراده^۱ توجه کرده اند و به مبادی معرفتی و ارادی تأکید بیشتری داشته اند (موحدی، صادق زاده و باقری، ۱۳۸۷: ۶)

در ادامه به منظور تبیین جایگاه ایثار از منظر مبادی سه گانه عمل و تحلیل بالقوگی های آن در جایگاه مبنا، اصل و روش تربیتی، بررسی مبانی فلسفی ایثار در اسلام ضرورت می یابد.

مبانی فلسفی و جایگاه ایثار در اسلام

اعتقاد به متافیزیک و عالم ماوراء الطبیعه مهم ترین بنیاد هستی شناختی علم اخلاق اسلامی محسوب می شود. لذا خیر و کمال در این فلسفه به عالم طبیعت محدود نمی شود، بلکه عالم عقلانی را نیز در بر می گیرد (سید باقری، ۱۳۸۸: ۱۰۷). در میراث فلسفه تمدن اسلامی، اصل و تمامیت وجود از واجب الوجود است و بقیه موجودات پرتو و جلوه ای از اویند. خدا در رأس یا کانون هستی، برترین حقیقت ماورای طبیعی، مسلط و محیط به همه هستی است و تدبیر و اداره هستی به دست اوست. بر این اساس وجود خدا در مقام خالق، مالک حقیقی و مدبر آسمان ها و زمین امری تردیدناپذیر است. بر این اساس، حقیقت حیات که شائبه مرگ و زوال در آن نیست، حیات الهی است. خدای متعال مبدأ وجود و اوصاف و آثار هر چیز است و مبدأ دیگری نیست، جز اینکه به او منتهی می شود. از این رو آنچه در هستی اصالت دارد،

۱. مبدأ معرفتی: بقره/ ۲۷۲، ۲۱۵، ۲۱۹؛ ابراهیم/ ۳۱

مبدأ میل: بقره/ ۲۱۹، ۲۷۲؛ ابراهیم/ ۳۱

مبدأ اراده: بقره/ ۲۱۹، ۲۱۵، ۲۷۲؛ ابراهیم/ ۳۱

زیبایی، تناسب و هم‌آوایی است و زشتی و پلیدی امری عارضی و عدمی است (طاهرپور، ۱۳۹۰: ۵۸). هستی فقط منحصر به این دنیا نیست، بلکه بعد از زندگی این دنیا، زندگی دیگری خواهد بود که دارای اهمیت و اصالت است. لذا، جهان هستی در حال شدن، حرکت و تکامل و مبتنی بر غایتی الهی است و بیهوده آفریده نشده است. در این میان انسان به عنوان اشرف مخلوقات خداوند، دارای وجودی دوبعدی است که یکی بعد مادی و جسمانی و دیگری بعد معنوی و روحانی است و چه بعد جسمانی انسان و چه استعدادهاى مربوط به بعد روحانی او همگی باید به صورت هماهنگ و متوازنی رشد یابند تا انسان به سعادت و کمال دست یابد. پس انسان با داشتن معرفت و جذبه‌ای ژرف در درون خود نسبت به خدا، با برخورداری از عاملی برای بازشناسی و راهیابی و داشتن قدرت تعیین‌کنندگی در مورد خواسته‌های خویش و تأثیری که از جمع می‌پذیرد و اثری که بر آنها می‌گذارد، یا ضعف‌ها و زبونی‌هایی که با آنها زاده شده و در آینده نزدیک در کمین موقعیت‌ها و شرایط مختلف با آنها مواجه خواهد شد و نیز با هوایی که در نفس او برانگیخته خواهد شد و او را به زمین خواهد کوفت؛ مهم‌ترین نشانه را که نشانه سیمای انسان است، در «سعی» و «عمل» خویش آشکار می‌کند (باقری، ۱۳۸۹: ۴۹). در اسلام تنها عملی دارای ارزش اخلاقی است که توأم با نیت خالصانه و برای رضای حق تعالی صورت گرفته باشد. لذا چه بسا اعمالی که انجام آن براساس عقل و شرع و عرف یک حرکت مثبت و یک فعل نیک است، اما در مراتب سیر و سلوک نمی‌تواند انسان را ارتقای چندانی بدهد. ارتقای انسان در همه مکاتب هست، اما اینکه کمال انسان را صرفاً در امور معنوی و به تعبیری اخروی ببیند، خاص اسلام و سایر ادیان الهی است و براساس اعتقاد به وجود جهان آخرت شکل گرفته است (مطهری، ۱۳۶۶: ۱۵). مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی دین مبین اسلام به صورت خلاصه در جدول زیر آمده است:

مبانی فلسفی اسلام	
هستی‌شناسی	خداوند به عنوان خالق هستی وجودی مطلق و قادر و حکیم است که هستی را هدفمند و قانونمند آفریده و آن را به سوی غایتی حکیمانه یعنی لقای پروردگار هدایت می‌کند- مبدأ و معاد به عنوان نقطه آغاز و پایان این سیر است. پس زندگی پس از مرگ در جهان آخرت و با مختصات دیگری وجود خواهد داشت - هستی تجلی نظام أحسن است که ابعاد ثابت و متغیری دارد.
انسان‌شناسی	انسان دارای روح الهی و وجود دو بعدی و مرکب است و به رشد همه ابعاد وجودی او به طور هماهنگ توجه شده - دارای محدودیت‌های ذاتی مثل بخل و حرص و آز است، ولی امکان مساوی در رسیدن به کمال برای همه وجود دارد- تنها سعی و عمل او در پیشگاه الهی مهم است و با تقوا می‌تواند به کرامت نفس دست یابد- نفس اماره و لوامه به عنوان خود دانی و عالی، در وجود او هستند- پیامبران و معصومین الگوی عمل او در بیرون و فطرت پاک، راهنمای او در درونش است.
ارزش‌شناسی	خداوند متعال و شارع مقدس پشتوانه اخلاق اسلامی؛ و فطرت، عقل و شریعت سه منبع غنی اخلاق‌اند- مراتب اخلاق اکتسابی هستند و بر مبنای کرامت نفس انسان بنا شده‌اند تا او را به هدف نهایی خلقتش یعنی قرب و رضوان الهی برسانند- وجدان ضامن اجرایی اخلاق در درون انسان است- پیامبران و معصومین نمونه‌های عینی و الگوهای عملی اخلاق اسلامی هستند- برخی ارزش‌های اخلاقی ثابت و برخی متغیر و وابسته به شرایط‌اند.

جدول ۱: خلاصه‌ای از برخی مبانی فلسفی اسلام

بررسی جدول فوق نشان می‌دهد که رفتارهای ایثارگرانه همچون سایر ارزش‌های اخلاقی نشأت گرفته از یک سری مبانی فکری و عقیدتی است. این مبانی که اعتقاد و التزام عملی به

آن‌ها به افزایش میل به رفتارهای ایثارگرانه منجر می‌شود، در واقع مجموعه اعتقادات و صفات شخصیتی یک فرد مسلمان ایثارگر را تشکیل می‌دهد که در وجود او به صورت ملکه درآمده و باعث می‌شوند که ایثار و فداکاری در نظر انسان ارزش تلقی شده و جزو اولویت‌های رفتاری قرار گیرد. البته بی‌شک ممکن است در هنگام انجام رفتار توأم با ایثار هیچ یک از این مبانی به ذهن خطور نکند، لیکن وجود اعتقاد و التزام به آن‌ها در ضمیر انسان به وقوع رفتار ایثارگرانه در لحظه‌ای خاص منجر می‌شود. شایان ذکر است پیدایش این مبانی فکری و عقیدتی در افراد متفاوت است. به عبارت دیگر ممکن است فردی در طول سالیان عمر خویش به کسب آن‌ها بپردازد و فرد دیگری در مدت کوتاهی به این درجه از معرفت و آگاهی دست یابد. از سویی دیگر براساس آنچه در دیدگاه اسلامی عمل آمده است، وجود آدمی، میدانی از زورآزمایی قوا و نیروهای مختلف و عوامل تأثیرگذار بیرونی و نیز عرصه ظهور ضعف‌ها و نیروهای درونی اوست. برآیند همه این نیروها، عمل آدمی است که تعیین‌کننده شخصیت او نیز هست. عملی که بر مبنای سه مبدأ معرفتی، گرایشی و ارادی تحقق می‌یابد و دارای اثری است که عامل و محیط وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مبدأ معرفتی شامل انگاره‌های شناختی ویژه‌ای است که عامل از خویش دارد. مبدأ گرایشی نشان‌دهنده وضعیت میلی فرد در ارتباط با عمل مذکور است و اراده، در مقام عاملی و رای امیال مزاحم است که به انتخاب و تقویت میلی از میان امیال دست می‌زند و در نهایت عامل را به عملی خاص وامی‌دارد (مدنی فر، ۱۳۹۴: ۴۱).

لازمه ایثار این است که آنچه که هدف آن قرار می‌گیرد، اولویت فرد در هنگام رفتار ایثارگرانه باشد. بدین ترتیب فردی که از مال و حتی جان خود می‌گذرد در لحظه، آنچه متعلق ایثار قرار گرفته، اولویت بیشتری نسبت به مال و جانش پیدا می‌کند، لذا حاضر می‌شود که به خاطر آن همه را فدا کند. این مطلب زمانی مهم و حساس می‌شود که انسان به درجه‌ای برسد که جانش را در این راه فدا کند، چرا که انسان ذاتاً دارای حب نفس است و برای او چیزی عزیزتر از جانش نیست. این ایدئولوژی‌ها در افراد مختلف، متفاوت است اگر چه وجوه مشترکی در میان آن دیده می‌شود، اما آن مشترکات هم شدت و ضعف خواهند داشت و پی‌بردن به حقیقت آن‌ها شاید نیازمند سال‌ها تحقیق و بررسی درباره افراد ایثارگر باشد. به هر حال آنچه شایسته تأکید است، اولویتی است که اسلام بر مبدأ معرفتی عمل دارد، اگرچه عمل از روی میل و اراده مستوجب پاداش و عقاب است، استحقاق عامل نسبت به پاداش و عقاب به شرط ابتناء عمل

بر شناخت و انتخاب آگاهانه، بيشتر مورد نظر است. در واقع آنچه مي تواند تا حدودي راه را براي ما روشن کند و به ما نشان دهد که چه اتفاقي در عقیده، تفکر و بينش انسان رخ مي دهد که ايتار را انتخاب مي کند، اين است که ما در ميان مباني فلسفي اسلام جستجو کنيم و بينيم کدام یک از اين مباني و چگونه مي تواند شناختي در انسان نسبت به ايتار ايجاد کند که ميل و اراده او را به سمت آن سوق دهد. اين مباني براساس منابع اسلامي عبارت اند از:

الف (توحيد

دژ توحيد تنها دژ محکمي است که بشر را از هرگونه خطا و لغزش مي تواند نگهداري کند. لازمه اين اعتقاد اين است که انسان يقين کند که خدا با اوست و همه چيز را مي داند و هر عملي را حفظ مي کند و روزي را در پيش دارد که هر کس در آن روز به پاداش عمل خود از خوب و بد خواهد رسيد. لذا اخلاق فاضله، خود در ثبات و دوام خویش احتياج به عملي دارد که آن را حفظ و حراست نمايد و اين عامل چيزي جز توحيد نمي تواند باشد و توحيد هم عبارت است از اينکه براي جهان خدائي يکتا هست که داراي اسماء حسني است و او موجودات را آفريد تا در سير تکامل افتاده و به سعادت نائل گردند و او دوستدار خير و صلاح است و بدی و فساد در پيشگاه مقدسش مبعوض مي باشد (طباطبائي، ۱۳۷۴: ۱۸۶ - ۱۸۹). بر اين اساس کسی که به وجود خدائي يکتا براي جهان معتقد است و او را حاضر و ناظر بر اعمالش مي بيند، همواره تلاش مي کند که در جهت جلب خشنودي او قدم بردارد. لذا ايتار تأييد صفات ثبوتيه الهي و نقطه اعلاي معرفت به آفريدگار هستي است و تنها از کسی سر مي زند که خداوند را به عنوان بصير، علیم، حی، حاضر و جبار مي شناسد و يقين دارد که اجر عملش، هر چند که پنهانی باشد، نزد خدای تعالی محفوظ است.

ب) معاد

اعتقاد به وجود مبدأ و معاد موجب می شود که انسان با آگاهی و بينش نسبت به اينکه از کجا آمده و به کجا مي رود، مسير زندگي خویش را ترسيم کند. چشم انداز حيات از منظر فرد ايتارگر محدود به سراي دنيا نيست. معرفت ديني وی گستره حيات را به جهان باقي مي کشاند. براین اساس خرمن اعمال خود را براي برداشت در روز قيامت مي پروراند. ايمان به قيامت

است که ساحران فرعونی را به ایثار وامی‌دارد.^۱ «هنگامی که جرقه‌های ایمان به معاد به اعماق جان آدمی می‌رسد آن را چنان شعله ور می‌کند که دیگر هیچ تهدیدی در برابر آن کارگر نمی‌افتد و هر چیز جز خدا و لقای آخرت و نعیم جاودانش در نظر انسان بی‌ارزش و ناچیز می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۳۱۴). به حکم «ما عندکم ینفد و ما عند الله باقی^۲» ایمان به دادگاه الهی، روح ایثار را در انسان زنده می‌کند. این اعتقاد می‌تواند سرچشمه انواع انفاق‌ها، گذشت‌ها و ایثارها شود، از سوی دیگر این ایمان، به انسان روح شجاعت و شهامت و صبر و استقامت می‌بخشد. در واقع چنین فردی، جان عزیز خود را هم تفضل خدای تعالی می‌داند و رویکردش در همه امور، از اوایی و به سوی اوایی است.

ج (میل انسان به کمال و جاودانگی

میل به جاودانگی و حرکت به سوی کمال دو ویژگی فطری انسان است. تمایل فطری انسان به بقا و تعالی روحانی دلیلی محکم است بر امکان و ضرورت بقا و جاودانگی انسان، امری که صدق آن منوط به اعتقاد به جهانی باقی است. همین جاست که هدف‌گذاری نابه‌جای زندگی دنیوی مادی‌گرایان را اثبات می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه آن‌ها برای پیروان خود رنج مضاعف می‌آورند. اگرچه «مقدمات تعالی روحی در عالم ماده صورت می‌پذیرد و به این سبب انسان ناگزیر بر استفاده از لوازمی مادی و هم‌سنخ عالم ماده است، لیکن علت وجودی میل به بقای ذات، الهی بودن روح و اتصال آن به امر خداوند واجب‌الوجود است که فنا و زوال در آن راهی ندارد» (عبدالحمید و پورعزت، ۱۳۹۰: ۲۴). از این رو هر آنچه که منتسب به ذات هستی بخش خداوند باشد نیز جلوه‌ای از پایداری و جاودانگی^۳ می‌یابد. بی‌تردید انسانی که یقین به بقای وجه الهی دارد و کمال حقیقی خود را در این مسیر می‌جوید، حاضر می‌شود برای دستیابی به آن از همه دارایی خود بگذرد و ایثار و فداکاری را به عنوان راهی که او را سریع‌تر به سرمنزل مقصود می‌رساند، برگزیند و این گونه خود را با جاودانگی پیوند دهد.

۱. قَالُوا لَنْ نُؤْتِرَكَ عَلٰی مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرْنَا فَافْضُ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَٰذِهِ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا / إِنَّا ءَامَنَّا بِرَبِّنَا لِيُعْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْتَى. (۷۲ و ۷۳ / طه)
 ۲. (آنچه نزد شماسست فانی می‌شود و آنچه نزد خداست باقی می‌ماند.) نحل / ۹۶.
 ۳. وَ يَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. (الرحمن/۲۷)

د) کرامت انسان

یکی از مبانی انسان‌شناختی در منظر اسلام مبنای کرامت است که تجلی آن را در مراتب متنوعی می‌توان دید. خداوند انسان‌ها را بر سایر مخلوقات برتری بخشیده^۱ و مسجود فرشتگان قرار داده است. اما این برتری نه به جهت بعد جسمانی است که در مقایسه با بسیاری از مخلوقات در مرتبه بسیار نازلی قرار دارد؛ و نه به جهت بهره‌مندی‌های دنیوی است که اگر چنین بود انسان را به حفظ حیات مادی سفارش می‌کرد و در این صورت افضل خلق خدا منتفع‌ترین آن‌ها در این دنیا بودند. در حالی که حضرت علی علیه السلام که حماسه ليله المبيت ایشان، کرامت وجودی حضرت شان را هویدا می‌کند و خود مصداق اعلاي اثار است می‌فرماید: *وَاعْلَمَنَّ أَنَّ أَفْضَلَ الْمُؤْمِنِينَ أَفْضَلُهُمْ تَقْدِمَةً مِنْ نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ وَمَالِهِ؛ فَإِنَّكَ مَا تَقْدَمُ مِنْ خَيْرٍ يَبْقُ لَكَ ذُخْرُهُ، وَمَا تُؤَخِّرُهُ يَكُنْ لِغَيْرِكَ خَيْرُهُ*^۲ (نامه ۸/۶۹). مطابق فرمایش ایشان کرامت و برتری در گذشت از جان و مال و دلبستگی‌ها و تقدم دیگری بر خود معنا می‌شود. ایشان در خطبه ۱۱۷^۳ نهج البلاغه کسانی را توبیخ می‌کند که نسبت به اثار جان و مال خود دریغ می‌کنند و دلیل بخل آن‌ها را عدم معرفت نسبت به مبدأ و معاد، خودپرستی و عقلانیت ابزاری معرفی می‌کند. پس آن گروهی از مردم که تنها با خدا معامله می‌کنند و جز رضا و خشنودی او را خریدار نیستند، به مرتبه‌ای از کرامت رسیده‌اند که بهای حیات و وجود خویش را به درستی دریافته‌اند.

و) بصیرت

بصیرت داشتن بدین معناست که فرد از قدرت تشخیص و تصمیم‌بالایی برخوردار باشد و بتواند با آگاهی کامل از موقعیت‌ها و نیازها دست به انتخاب و اقدام بزند و در تکامل جامعه اسلامی و تعالی آن نقش آفرینی کند. در واقع لازمه پذیرش عمل از انسان و احتساب انسان به

۱. *وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا* (اسراء/۷۰)

۲. بدان که برترین مؤمنان، کسی است که از جان و مال و کسان خود بیشتر [در راه خدا] بذل و انفاق کند؛ زیرا آنچه از خیر و خوبی پیش بفرستی برای تو ذخیره خواهد شد و آنچه را از خود بر جای نهد، خیر و نفعش از آن دیگری است.

۳. نه اموال خود را در راه خدایی که آن مال‌ها را روزی شما کرد می‌بخشید، نه جان‌ها را در راه خدای جان آفرین به خطر می‌افکنید دوست دارید مردم برای خدا شما را گرامی دارند، اما خودتان مردم را در راه خدا گرامی نمی‌دارید از فرود آمدن در خانه‌های گذشتگان عبرت بگیرید، و از جدایی با نزدیک‌ترین برادران و دوستان پند پذیرید (دشتی، ۱۳۸۵: ۱۵۹).

عنوان عامل از منظر الهی آن است که از روی آگاهی و اختیار و کاملاً هوشیارانه اقدام کند. لذا دستیابی به معرفت حقیقی و روشن بینی راه را بر فهم جایگاه واقعی خود در جهان هستی و در برابر مالک علی الاطلاق می‌گشاید. چنین انسانی خود را در برابر خالق، مالک بر چیزی نمی‌داند که بخواهد آن را به دیگری ببخشد، و در هنگام عمل حاضر می‌شود که تمام دارایی خود را در این راه بدهد. بصیرت آن نوع از آگاهی است که بر رفتار و کردار انسان اثر می‌گذارد.

ه (ایمان به آینده روشن

از جنبه فردی، اعتقاد به حضور دائم در محضر الهی و محیط و شاهد دانستن خداوند، فرد ایثارگر را عاری از هر نگرانی، به عمل ترغیب می‌کند. تأکید اسلام بر نیت به عنوان درونی‌ترین جنبه عمل، نگرانی نسبت به نتیجه عمل را تقلیل می‌دهد. لذا دغدغه عامل، عمل به تکلیف و وظیفه است. براین اساس هنگامی که اراده فرد با ابتناء بر آگاهی و میل درونی بر انجام عملی، تعلق می‌گیرد از همان ابتدا پیروز است و عاقبت روشنی در انتظار اوست.

از جنبه اجتماعی، انسان ایثارگر آینده را از دین خدا و پیروان راستینش دانسته و خویش را در این باره مسئول می‌داند و از هیچ تلاشی برای تحقق آینده موعود فروگذار نمی‌کند. این ایمان و اعتقاد به پیروزی نهایی است که او را وامی‌دارد تا در میدان مبارزه با نفس خویش از همه هستی و حتی از حق حیات خویش بگذرد. « وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ » ما خواستیم بر آنان که در زمین ضعیف شمرده شدند منت نهاده ایشان را پیشوایان و وارث دیگران قرار دهیم (قصص / ۵). در حالی که مکاتبی همچون اگزیستانسیالیسم از منظری پوچ‌گرایانه، آینده‌ای تاریک و مبهم برای انسان ترسیم می‌کنند. این نوع نگاه، موجد ناامیدی نسبت به آینده و مانعی قوی بر سر راه انتخاب و پویایی حیات بشری است و نگاهی فردگرایانه را دامن می‌زند که با مفهوم ایثار در تضاد است.

ی) حب و بغض

حب و بغض منشأ ایمان و اخلاق است و همان طور که آیه « آتی المال علی حبه »^۱ نیز به ایثار مال براساس حب و دوستی اشاره دارد، حب و بغض از مبانی اساسی ایثار است. به همین جهت وقتی از امام صادق (ع) سؤال شد که آیا حب و بغض هم جزء ایمان است؟ ایشان فرمودند: « مگر ایمان چیزی جز حب و بغض است؟! (هل الدین الا الحب و البغض) » (محروقی، ۱۳۹۳: ۵۴). حب به خدا و به دنبال آن حب به دین خدا ریشه اصلی و سرمایه مهم انسانی و سرچشمه تمام فعالیت‌های دینی و از لوازم حتمی و رمز سعادت زندگی و گرداننده صحیح چرخ‌های اجتماعی است. عشق و محبت، نیرو آفرین و شجاعت‌آور است و اراده انسان را در رسیدن به هدف زیاد می‌کند و به او انگیزه می‌دهد: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَأَ يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ^۲ » (مائده/۵۴)

توجه به موارد فوق نشان می‌دهد که دین مبین اسلام به همه مبادی سه گانه عمل توجه کرده و همه آن‌ها را به صورت هماهنگ در انجام یک عمل اخلاقی مؤثر می‌داند. اسلام، کامل‌ترین دین آسمانی، هر سه مبدأ شناختی، گرایشی و ارادی را با هم می‌بیند. لذا برای سوق دادن انسان به سوی انجام عملی تلاش می‌کند که ضمن دادن بینش و معرفت، میل و انگیزه لازم برای عمل را هم در او ایجاد کند و اساساً آگاهانه و ارادی بودن عمل را شرط مقبولیت آن می‌داند و به نیت به عنوان مبدأ ارادی عمل^۳ توجه می‌کند. از این رو بسیاری از آیات قرآن و

۱. (بقره / ۱۷۷)

۲. همان ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر کسی از شما از دینش برگردد، بدانید که خدا بزودی مردمی را - برای گرایش به این دین - می‌آورد که دوستشان دارد و آنان نیز وی را دوست دارند، که اینان مردمی هستند در برابر مؤمنین افتاده حال و در برابر کافران مقتدر، مردمی که در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت هیچ ملامتگری پروا ندارند و این خود فضلی است از خدا که به هرکس صلاح بداند، می‌دهد و خدا دارای فضلی وسیع و علمی وصف‌ناپذیر است.

۳. در این زمینه به گفته‌ای از امام صادق اشاره می‌کنیم که منشأ عمل را اراده می‌دانند: مَا ضَعَفَ بَدَنٌ عَمَّا قَوَّيْتِ عَلَيْهِ النَّبِيَّةُ؛ اگر اراده قوی باشد، هیچ بدنی برای انجام دادن کار، ناتوان نیست. (من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۰، ح ۵۸۵۹)؛ و یا در جایی دیگر ایشان می‌فرمایند: «نیت برتر از عمل است، آگاه باشید که نیت خود عمل است» (کافی، ج ۲، ص ۱۶)؛ و برخی از آیات قرآن که آشکارا به جایگاه نیت و اراده قلبی اشاره دارد همچون آیه قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ (که شاکله را در این جا امام صادق (ع) مطابق با منبع کافی نیت معرفی کرده‌اند) و نیز آیه ۳۸ فاطر و آیه ۱۳ سوره ملک.

روایات معصومین در صدد ایجاد بینش و معرفت هستند یا آیات و روایات در ارتباط با ثواب و عقاب مؤمنین در سرای آخرت در راستای توجه به مبدأ گرایشی است.

تبیین دلالت‌های تربیتی ایثار از منظر اسلام

یکی از خصیصه‌های اخلاقی که اسلام بر ایجاد و پرورش آن در انسان‌ها تأکید کرده و برای آن برنامه دارد، آموزه ایثار است که اگر چه تحقق آن در افراد دارای سلسله مراتب است، ولی توصیه اسلام به صورت عام و همگانی مطرح شده است. پژوهش حاضر در پی بررسی جایگاه ایثار در نظام آموزشی مبتنی بر تعالیم اسلام است، لذا در این قسمت ضمن بررسی منابع اسلامی، این نتیجه حاصل شد که جایگاه ایثار در تربیت اسلامی از دو جهت قابل بررسی است: یکی از جهت اهداف غایی و واسطی و دیگری از جهت مبانی، اصول و روش‌ها. بدین معنا که مفهوم ایثار طبق منابع اسلامی بسته به شرایط می‌تواند در هر یک از این جایگاه‌ها نقش ایفا کند.

جهت اول- هدف غایی در تربیت اسلامی در واقع مؤلفه‌ای است که خط سیر نهایی را در روند تربیت اسلامی ترسیم می‌کند و اهداف واسطی اهدافی هستند که همچون جویبارهایی از آن‌ها منشعب می‌شوند. به علاوه اهداف غایی به جهت عام بودن و گستردگی، در دراز مدت قابل وصولند و برای نیل به آن‌ها ناگزیر باید از مراحل مقدماتی عبور کرد که این مراحل همان اهداف واسطی هستند که جزئی‌تر و محدودتر هستند (شرفی، بی‌تا: ۳۰). بررسی آیات قرآن کریم و احادیث معصومین (ع) نشان می‌دهد که ایثار در هیچ کجا به عنوان غایت تربیت اسلامی مطرح نشده است و در واقع اسلام این انتظار را از انسان‌ها ندارد که خود را در نهایت به درجه ایثار برسانند، اگر چه که عالی‌ترین مراتب اخلاقی طبق سخن امام علی (ع) - «الایثار أعلی المکارم»^۱ - به ایثار نسبت داده شده است، اما نمی‌تواند هدف نهایی برای زندگی فرد مسلمان باشد. اما به طور قطع ایثار در دین مبین اسلام می‌تواند به عنوان یک هدف واسطی قرار بگیرد که انسان را از طریق عبودیت به مقام قرب الهی و تآله برساند که غایت تربیت اسلامی است. چنانچه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «الایثار أفضل عباده و أجل سیاده»^۲ ایثار

۱. میزان الحکمه، ۱۳۷۷: ۲۲.

۲. میزان الحکمه، ۱۳۷۷: ۲۲.

برترين عبادت و بزرگ‌ترين سروري است. بنا بر اين، يکي از طرفي که مي‌تواند انسان مؤمن را به هدف غايي آفرينش برساند اين است که او با تمام وجود از مال و جان خود در راه رضاي حق تعالي و در شرايطي بگذرد که خودش نيز به آن‌ها نيازمند است، و اين خصلت مؤمنين است. چنانچه در روايتي از حضرت موسي (ع) آمده است که از خداوند درخواست کرد تا منزلت محمد (ص) و امتش را به او نشان دهد، و خداوند نيز به او نشان داد و فرمود اين جايگاه رفيع به سبب خويي است که از ميان آفريدگانم او را بدان ويژه گردانيدم و آن خوي ايتار است^۱.

جهت دوم- بر اساس آن چه در تعاليم اسلامي آمده است ايتار بسته به اينکه در چه موقعيتي مطرح شود مي‌تواند در جايگاه مبنا، اصل يا يک روش تربيتي قرار گيرد. که هر يک از آنها به صورت اجمالي بررسي خواهد شد:

۱- ايتار به منزله يک مبناي تربيتي

مباني تربيتي از هست‌ها سخن مي‌گويند و جزء امور توصيفي هستند. بنا بر اين، اگر به روايت حضرت موسي (ع) استناد کنيم که در قسمت قبل آورده شد يا به روايات و احاديثي با اين مضمون رجوع کنيم که ايتار از خصلت و خوي نیکوکاران و مؤمنان است و اگر نوع دوستي را به عنوان ويژگي فطري همه انسان‌ها زمينه‌ساز تحقق ايتار بدانيم، مي‌توانيم ايتار را به منزله يک مبناي تربيتي در نظر بگيريم و چون هدف غايي تربيت اسلامي را رسيدن به قرب الهي و تاله در نظر گرفته‌ايم پس لازم است در نظام تربيتي براي شکوفايي خصلت ايتار و فداکاري در همه انسان‌ها به عنوان يک فضيلت اخلاقي منطبق با فطرت الهي، جايگاهي تعريف کرده و براي تحقق آن تلاش کنيم. به علاوه همه انسان‌ها به صورت فطري نوع دوستي را ارزشمند مي‌دانند و از آنجا که نوع دوستي لازمه رفتارهاي ايتارگرانه است، لذا از اين منظر مي‌توان گفت که ايتار امري ارزشمند در ميان انسان‌ها است که البته دين اسلام با تأييد آن، ايتار را به عنوان امري فطري و ويژگي نهفته در خوي مؤمنان معرفي مي‌کند: با استناد به حديث امير المؤمنين (ع) که فرمودند: « ايتار برترين صفات عالي انساني است » و نيز با توجه به حديث

۱. همان.

۲. همان.

امام صادق (ع) که در وصف مؤمنان کامل فرمودند: «آنان کسانی هستند که در روزگار سختی و آسایش به برادران نیکی می‌کنند و در عسرت و تنگدستی دیگران را بر خود ترجیح می‌دهند و خداوند در وصف آن‌ها فرموده «و یؤثرون علی أنفسهم و لو کان بهم خصاصه...». لذا چنانچه ایثار با عنایت به شواهد فوق مبنا قرار گیرد، می‌توان برای آن اصول و روش‌های زیر را متصور شد.

اصل ۱: تقویت ایمان

بی‌شک برای دست‌یابی به خصیصه ایثار و فداکاری باید ایمان فرد به حدی رسیده باشد که در همه حال رضای خداوند و قرب او را در اولویت بداند و برای دست‌یابی به آن از هیچ کاری فروگذار نکند. و البته طبق آیات قرآن و روایات نیز ایثار از ویژگی‌های خاص مؤمنین است. ولی باید با تقویت ایمان به منصفه ظهور برسد. در آیات ۷۲ - ۷۵ سوره طه نیز می‌خوانیم که ایمان آوردن ساحران فرعونی به موسی (ع) و ایمان به قیامت و ناچیز شمردن زندگی دنیا سبب شد که ساحران فرعونی بزرگ‌ترین ایثار و فداکاری و گذشت را از خود نشان دهند.

روش ۱: اعطای بینش

کسب معرفت و آگاهی از احکام و قوانین الهی در دنیا و آخرت، که حقیقت زندگی هستند، می‌تواند موجب افزایش ایمان و در نتیجه در اولویت قرار گرفتن آن برای انسان شود. همان‌طور که در آیات فوق نیز دیدیم کسب آگاهی از طریق سخنان حضرت موسی (ع) باعث شد که ساحران ضمن پی بردن به حقیقت، بر ایمانشان افزوده شود و بتوانند در مقابل خواسته‌های فرعون بایستند.

اصل ۲: تزکیه نفس

تزکیه نفس و رها کردن جان از تعلقات مادی دنیوی از ملزومات رفتار ایثارگرانه است و به یقین هر چه انسان در تزکیه نفس موفق‌تر باشد، رفتارهای ایثارگرانه بیشتر در او نمایان می‌شود. در آیات ۵۸ و ۵۹ سوره حج هم وصف حال مهاجران را می‌خوانیم که از منزل و

مأواي خود تبعيد شده و ناچار شدند كه شهر و ديار خود را رها كنند و به خاطر اسلام به شهر ديگري هجرت نمايند. خداوند نيز رزق نيكو و بهره‌مندی از نعمت‌هاي ويژه را به آن‌ها وعده داده است (مكارم شيرازي، ۱۳۷۱: ۱۵۰)

روش ۲: توجه به آثار و بركات اعراض از لذائذ مادي

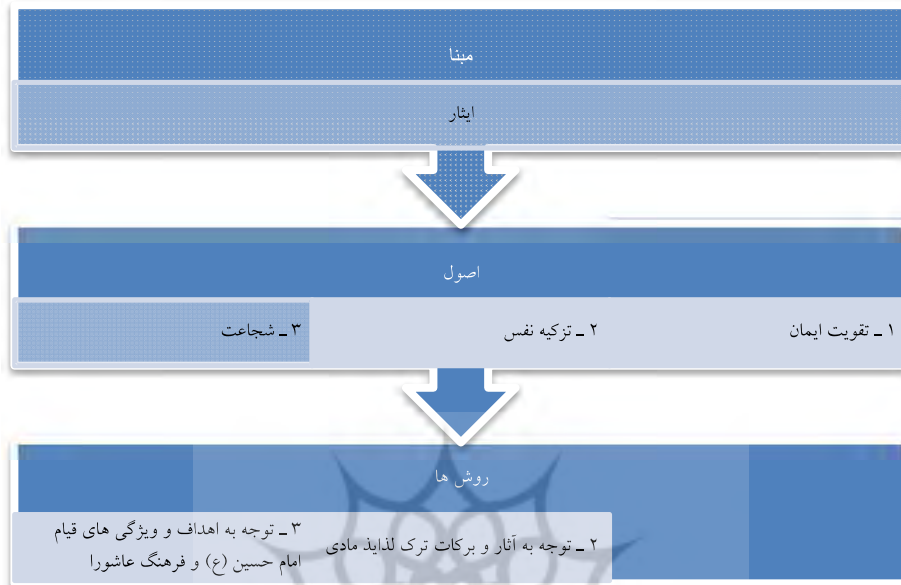
توجه انسان به آثار و بركات ترك لذائذ مادي كه خداوند در قرآن كريم به مؤمنان وعده داده است، يكي از راه‌هاي ايجاد انگيزه براي تزكيه نفس است. اگرچه انسان مؤمن در مراحل بعد براي تزكيه نفس به شوق دستيابي به اين آثار و بركات بسنده نمي‌كند و ضمن افزايش ايمان و يقين خود به خاطر رضاي الهي دست از وابستگي به لذائذ مادي مي‌كشد، اما در ابتدای راه توجه به اين آثار مي‌تواند شوق حركت را در او بيافريند.

اصل ۳: شجاعت

انجام دادن رفتار ايتارگرانه بدون داشتن جرأت و شجاعت امكان‌پذير نيست، چون به هر حال در هنگام ايتار و فداكاري ناچاريم كه برخي از داشته‌هاي خود را از دست بدهيم. اين مسأله در جريان خوابیدن حضرت علي (ع) در بستر پيامبر (ص) در ليله المبيت و نيز در داستان‌هاي ايتار ديگري كه در قرآن بيان شده به وضوح ديده مي‌شود. حتى ايتار و فداكاري در سطح پايين‌تر نيز به اين شجاعت و تهوّر نياز دارد كه انسان از علايق خود دست بكشد. به عنوان مثال فداكاري‌هاي يك مادر در حق فرزند خود را در نظر بگيريد. با اينكه طبق تعاريفي كه در فصول گذشته آمد اين فداكاري‌ها به صورت ذاتي در مادر هست و نياز به پرورش و تربيت ندارد، اما لازمه اقدام به آن نوعي شجاعت است كه خداوند در وجود مادر نهاده است.

روش ۳: توجه به اهداف و ويژگي‌هاي قيام امام حسين (ع) و فرهنگ عاشورا

اصلاً درس شجاعت را بايد از تاريخ كربلا آموخت و در داستان آن لحظه به لحظه با ياران امام حسين (ع) همراه شد و از شجاعت و دليري‌هاي ايشان ياد نمود. تا اولويت‌ها براي انسان مشخص شود و مفهوم حقيقي شجاعت و ايتار را دريابد.



شکل ۴: ایثار در جایگاه مبنای تربیتی

۲- ایثار به منزله یک اصل تربیتی

برای اینکه ایثار و فداکاری را به عنوان یک اصل قرار دهیم، طبق تعریفی که از اصول تربیتی ارائه شد باید ببینیم که در اسلام چه مواقعی ایثار و فداکاری تجویز شده است. در این صورت مواقع مذکور اصل تربیتی ما خواهند شد و سپس روش‌هایی را نیز برای آن بیان خواهیم کرد.

مبنا ۱: میزان

یکی از مواردی که به توصیه به ایثار و از خود گذشتگی در اسلام منجر شده است، مبنای هستی شناختی میزان یا وجود جهانی دیگر برای رسیدگی به اعمال و رفتار انسان‌هاست. قطعاً ایمان به وجود دادگاه الهی روح ایثار و فداکاری را در انسان زیاد می‌کند، چرا که به حسب آیه ۱۱ سوره توبه، ایثار مال و جان می‌تواند موجب فوز عظیم و جاودانگی در بهشت برین شود: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْفُرْقَانِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا

بَيِّعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَٰلِكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَظِيمُ» خدا از مؤمنان جانها و مال هایشان را خریده به این (بهاء) که بهشت از آن‌ها باشد (در عوض) در راه خدا کارزار کنند، بکشند و کشته شوند، این وعده حقی است بر او که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده، و کیست که به پیمان خویش از خدا وفادارتر باشد؟ به معامله پر سود خویش که انجام داده‌اید شادمان باشید، که این کامیابی بزرگ است.

به علاوه در روایات متعددی آمده است که کسی که جان خود را در راه خدا نثار می‌کند، بهترین خیر شامل حال او شده و خداوند از لغزش هایش می‌گذرد. از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند: در قیامت لغزش‌های شهید به خودش نیز نشان داده نمی‌شود (قرائتی، ۱۳۸۸).

روش ۱: زمینه‌سازی

به طور قطع زمینه‌سازی اولین گام برای ایجاد هر فضیلت اخلاقی در انسان است. چرا که حالات و اعمال آدمی در بستر شرایط و موقعیت‌ها می‌روید و از آن‌ها ارتزاق می‌کند. از این رو انتخاب و تنظیم مناسب زمینه‌ها و شرایط به مثابه عامل تسهیل‌کننده‌ای است که امکان شکل‌گیری‌ها و شکل‌دهی‌های مطلوب را بالا می‌برد. در زمینه‌سازی ابتدا می‌بایست شرایط اولیه را فراهم کرد که می‌تواند در ایجاد رفتار ایثارگرانه به فرد یاری رساند، و در گام بعدی جلوی تحقق عوامل و شرایط مانع این رفتار را گرفت. در دین اسلام نیز توصیه‌های بسیاری در این زمینه شده است که کسب رزق حلال از جمله مهم‌ترین آن‌هاست که در بروز رفتار ایثارگرانه اثر می‌گذارد و می‌تواند بستر مناسب را در وجود فرد ایجاد کند. خانواده و دوستان هم نقش به‌سزایی دارند و توصیه‌های اسلام برای انتخاب همسر و ازدواج و نیز انتخاب دوست و هم‌نشین در همین راستا است.

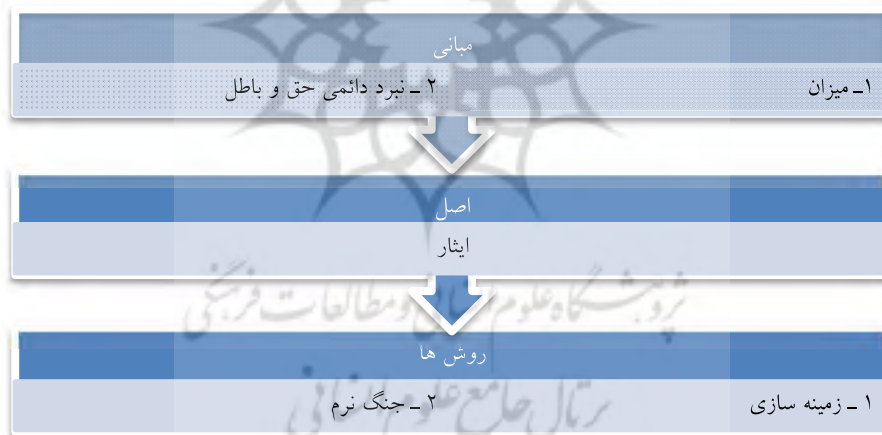
مبنا ۲: نبرد حق و باطل

از ابتدای آفرینش انسان همواره میان دو جبهه حق و باطل درگیر بوده و گویی این امر با جهان‌بینی آن‌ها عجین شده است. در قرآن کریم نیز آیات بسیاری را درباره این مسأله می‌خوانیم و از جمله آن‌ها آیات مرتبط با فتنه است. که برای جداسازی حق از باطل (۱۴۳ /

بقره)، مدعیان راستین از دروغین (۱۴۰ / آل عمران)، خبیث از طیب (۱۶۶ / آل عمران)، پاک از ناپاک (۱۷۹ / آل عمران) و شاکر از ناسپاس (۴۰ / نمل) و هم چنین افزایش ظرفیت آدمی و بروز و ظهور استعدادها و توان‌های نهفته در نهاد آدمی است که از طریق فتنه و آزمون الهی صورت می‌گیرد (منصور، ۱۳۹۳). در چنین شرایطی همواره باید عده‌ای از جان و مال خود بگذرند و در مقابل باطل بایستند.

روش ۲: جنگ نرم

امروزه بسیاری از نبردهای میان حق و باطل به صورت جنگ نرم و در فضای فرهنگی اتفاق می‌افتد و به صورت یک جنگ نظامی نیست، لذا برای رویارویی با این شرایط می‌بایست عده‌ای فداکاری کرده و از مال و جان و عمر خود بگذرند و ساعت‌ها در این فضا به خشی کردن فتنه‌های باطل اقدام کنند. در واقع جنگ نرم و مبارزه فرهنگی یکی از شیوه‌های مبارزه با باطل است.



شکل ۵: ایثار در جایگاه اصل تربیتی

۳- ایثار به منزله یک روش تربیتی

همان طور که توضیح داده شد روش‌های تربیتی دستورالعمل‌های جزئی‌تر هستند که قابلیت اجرایی بیشتری دارند. بنابراین، اگر بخواهیم ایثار و فداکاری را به منزله یک روش تربیتی در نظر بگیریم، باید دید که دین اسلام در چه مواردی ایثار را به صورت یک راه حل به جامعه

مسلمانان پيشنهاد مي دهد. اين اتفاق به خصوص درباره ايثار مال به روشني مي افتد. در ادامه چند مبنا و اصل در ارتباط با روش ايثار و فداكاري بررسي خواهد شد:

مبنا ۱: حب ذات

انسان به گونه اي آفريده شده كه همواره عزيزتر از جان خودش براي وجود ندارد و در همه حال سعي مي كند كه منفعت ها را به سوي خويش متوجه كند. اين ويژگي به خودي خود مذمون نيست و منجر مي شود كه به عنوان مثال انسان خود را در برابر خطرات و بلايا حفظ كند و مراقب جان عزيز خويش باشد، اما اسلام زياده روي در آن را نكوهش کرده است و بايد با آن مقابله كرد.

اصل ۱: خدامحوري در مقابل خودمحوري

در واقع اين ايمان به خدا و ارزش هاي ديني است كه روح ايثار و فداكاري را زنده مي كند. چرا كه روح تمام تعاليم آسماني اين است كه انسان در همه حال به حضور خداوند توجه داشته باشد و همه افعال و گفتارش را بر خواست و اراده خداوند و در جهت رضاي او منطبق كند تا به سعادت حقيقي برسد. خدامحوري در زندگي انسان او را ياري مي كند تا در حد اعتدال حب ذات داشته باشد و به افراط و تفریط نرود چون همواره قدرت برتر خداوند را در همه شئون زندگي مي بيند، خداوندي كه او را آفريده و خير و صلاح او را براي رقم مي زند.

مبنا ۲: اختلاف انسان ها در وسع

خداوند مَنان انسان ها را به گونه اي آفريده كه در ميزان توانمندی با يكديگر اختلاف داشته باشند و برخي از آن ها در امور خاصي توانا تر از سايرين باشند و اين امر لزوم زندگي اجتماعي و تعاون انسان ها را روشن مي كند. در واقع با وجود هم ريشه بودن در گوهر، آدميان در اين ويژگي مشترك هستند كه هيچ يك چون ديگري نيست و هر كس در پايه و جاياگاه معيني قرار گرفته و از ويژگي هاي دروني و بيروني خاصي برخوردار است و توانايي ها و امكانات ويژه اي دارد. به علاوه هر انسان نيز در طي زندگي خود مراحل مختلفی را از نظر وسع و توانمندی طي مي كند (باقری، ۱۳۸۹). بدین جهت است كه انسان ها براي زندگي در کنار يكديگر و به صورت جمعي آفريده شده اند تا در مواقع نياز ياري رسان يكديگر باشند.

اصل ۲: تعاون و دستگیری از ضعیفان

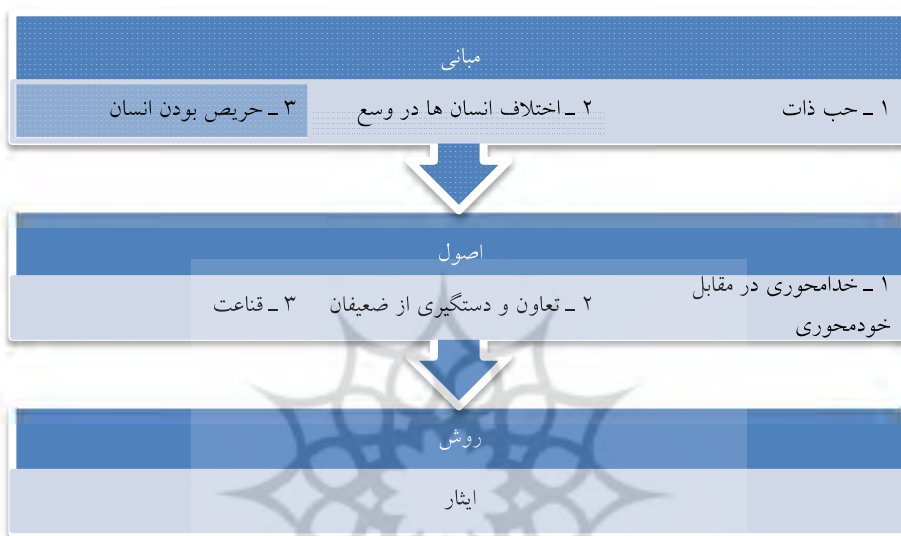
در آیات متعددی از قرآن کریم به دستگیری از ضعیفان توصیه می‌شود. البته این کمک و یاری می‌تواند وجوه گوناگونی داشته باشد و ایثار و فداکاری یکی از روش‌های آن است. همان‌طور که در شأن نزول سوره انسان نیز نقل شده است که حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) و دو فرزند بزرگوارشان امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در سه شب متوالی غذای خود را ایثارگرانه به نیازمندان دادند یا در آیه ۹ سوره حشر، خداوند از خصلت مهمان دوستی و جود و بخشش خالصانه مسلمانان مدینه نسبت به مهاجران یاد می‌کند که به‌رغم نیاز شدید خود ایثار کردند.

مبنای ۳: حریص بودن انسان

بر اساس آیه ۱۹ سوره معارج « إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا » انسان به طور ذاتی حریص آفریده شده است. هلوع کسی است که هنگام برخورد با ناملازمات بسیار جزع می‌کند، و چون به خیری می‌رسد از انفاق به دیگران خودداری می‌کند. این هلع که انسان سرشته بر آن است - و خود از فروع حب ذات است - به خودی خود از رذائل اخلاقی نیست، و چطور می‌تواند صفت مذموم باشد با اینکه تنها وسیله‌ای است که انسان را دعوت می‌کند به اینکه خود را به سعادت و کمال وجودش برساند، پس حرص به خودی خود بد نیست، وقتی بد می‌شود که انسان آن را بد کند و درست تدبیر نکند. در هر جا که پیش آمد مصرف کند، چه سزاوار باشد و چه نباشد، چه حق باشد و چه غیر حق، و این انحراف در سایر صفات انسانی نیز هست، هر صفت نفسانی اگر در حد اعتدال نگاه داشته شود فضیلت است، و اگر به طرف افراط یا تفریط منحرف شود، رذیله و مذموم می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹).

اصل ۳: قناعت

برای کنترل حرص و زیاده‌خواهی انسان توصیه دین این است که او تمام تلاش خود را صرف پرورش قناعت در وجودش کند. قناعت، همان‌طور که در مثل‌ها آمده، بندی است بر پای حرص و می‌تواند آتش شعله‌ور زیاده‌خواهی را در وجود انسان خاموش کند. پس لازم است در مقابل هلع انسان که ناشی از حب ذات اوست، به قناعت پناه برد تا هلع به درجه



شکل ۶: ايتار در جايگاه روش تربيتي

جايگاه ايتار در ديدگاه انسان عامل

عمل به عنوان يکي از افعال صادره از نفس است. در عمل، اولين چيزي که به عنوان حالت ذهني شکل مي گيرد؛ تصور عمل است؛ تصور عمل به عنوان مبدأ علمي (معرفتي) فعل اختياري است. بعد از آن تصديق به فايده عمل شکل گرفته و نفس انسان آن عمل را داراي فايده براي خود مي داند و در اين لحظه مبدأ شوقي براي عمل که شوق و اشتياق به عمل است به عنوان کيف نفساني ايجاد مي شود. شوق، توليد اراده کرده و فعل اختياري از انسان سر مي زند (غلامي و يوسفی، ۱۳۹۴: ۶). طرحواره انسان به منزله عامل بيان کننده آن است که انسان، عاملی در نظر گرفته شده که می توان عمل های صادر شده از او را به خودش منتسب کرد و او را منشأ عملش در نظر گرفت. شایان ذکر است که عمل با رفتار تفاوت هایی دارد. نخست اینکه رفتار بیشتر جنبه بیرونی و محسوس دارد، در حالی که عمل اعم از بیرونی (عمل

جوارحی) و درونی (عمل جوانحی) است. دوم اینکه تنها برخی از رفتارهای بیرونی هستند که عمل محسوب می‌شوند و آن رفتارهایی هستند که مبانی معینی در زیرساخت آن‌ها وجود داشته باشد. براساس متون اسلامی و به ویژه قرآن کریم می‌توان نتیجه گرفت که این مبانی عمل دست کم در سه نوع مبنای اساسی خلاصه می‌شوند که می‌توان آن‌ها را مبانی شناختی، گرایشی و ارادی-اختیاری نامید (خسروی و باقری، ۱۳۸۷: ۸۴). منظور از مبنای شناختی عمل، تصویر و تصویری است که فرد عامل از عمل و نتایج آن دارد (باقری، ۱۳۸۸). در مبداء گرایشی توجه اصلی به تمایلات و هیجانات معطوف به عمل است. هیجان‌ها و گرایش‌ها می‌تواند فرد را نسبت به انجام عمل، تشویق یا از انجام آن برحذر دارد. به بیان دیگر می‌توانند در او شوق یا ترس ایجاد کنند. در واقع، میل، کشش آمیخته با معرفت یا کشش معرفتی شده است. از همین روست که مبداء معرفتی عمل، بر مبداء میلی آن، مقدم است (باقری، ۱۳۸۲). مبداء ارادی-اختیاری را نیز می‌توان در دو واژه تصمیم‌گیری و گزینش خلاصه کرد. با توجه به این مبداء، تحقق عمل علاوه بر وجود تصویر شناختی و هیجان‌های درونی، به تصمیم و انتخاب فرد عامل نیز محتاج است (باقری، ۱۳۸۸).

بر اساس آن چه درباره مبادی سه‌گانه عمل از نظر گذشت، می‌توان ایثار و فداکاری را اعم از عمل درونی یا بیرونی توصیف کرد که منبث از سه مبداء شناختی، گرایشی و ارادی-اختیاری خواهد بود. در واقع زمانی که ایثار و فداکاری یک فرد به صورت ملموس و مشهود اتفاق می‌افتد، به بعد بیرونی آن اشاره دارد و زمانی هم که این عمل در درون او شکل می‌گیرد بعد درونی آن را در بر خواهد داشت. اما به طور قطع برای اینکه فعلی ایثارگرانه از فرد سر بزند، لازم است شناخت و معرفتی نسبت به آن داشته باشد و میل و گرایشی در او ایجاد شود تا آن فعل را اختیار کند. از همین رو در اسلام توصیه به ایثار و فداکاری یک توصیه و تجویز همگانی و عام است، اما تنها برخی از انسان‌ها به این توصیه عمل می‌کنند. ایثار و فداکاری اگرچه کار دشواری است و لازمه آن تزکیه نفس تا حد دل‌نیستن و عدم وابستگی به دارایی‌هاست، اما راهی مطمئن برای رسیدن به رستگاری است. لذا براساس آنچه در دیدگاه عاملیت انسان گفته می‌شود نظام تربیتی تنها می‌تواند بعد شناختی رفتار را در فرد ایجاد کند و به او بینش و بصیرت دهد یا فضایی انگیزاننده ایجاد کند. در ارتباط با ایثار هم نظام تربیتی ضمن دادن آگاهی و بینش نسبت به انواع و مصادیق ایثار و فداکاری و آغاز و انجام آن

براساس آن چه در قرآن و روايات آمده، مي تواند با تجليل از اين گونه رفتارها در سطح جامعه، انگيزه ايجاد کند. اگر چه که چنين انگيزه‌اي کاملاً بيروني است و در همه موارد ممکن نيست که به عمل بينجامد. اما مراجعه به قرآن کریم و احاديث اهل بيت (ع) هم معرفت (با بيان مصاديق و ملزومات ايتار) و هم انگيزه لازم (با بيان آثار و برکات ايتار) را براي ايتار و فداکاري به انسان مي دهد. حال خود فرد است که بايد اراده خويش را جزم کند و کمر همت بيندد.

علاوه بر اين در نظريه اسلامي عمل، اهداف واسطی هشت گانه‌اي براي تربيت بيان شده است که مجموع آنها تحقق بخش هدف غايي تربيت خواهد بود (مدني فر، ۱۳۹۴: ۴۷). اين اهداف هشت گانه در ارتباط با دست يابي به مقام ايتار در راستای رضوان الهي نيز صادق است:

۱- پاکی، سلامت و قوت جسم :- بدین معنا که هر یک از اعضای بدن، کارکرد خويش را به درستی انجام دهد و از هماهنگی لازم با ديگر اعضا بهره مند باشد. توجه به اين نکته نيز ضروري است که در دين اسلام به تأثیر متقابل سلامت جسم و روح تأكيد شده است و بی شک کسی که در دلش، بیماری هائي چون حسادت، عجب و بخل دارد، ذهن و جسمش نيز مدام درگیر است، نمی تواند طريق دست يابي به ايتار را ببيماید.

۲- تدبير اخلاقی تمايلات درونی: رفتار ايتارگرانه نیازمند اراده ورزی در حیطه اميال است تا در منش اخلاقی فرد ظهور يابد. چنين تدبيري بايد از دوران کودکی و با قرار دادن کودک در موقعیت های چالش انگيز انتخاب شکل گیرد.

۳ - اندیشه ورزی و کسب دانش نسبت به آموزه های دينی و افزايش قابليت انتخاب: آگاهی و بينش یکی از مؤلفه های ايتار است که بايد زمينه ايمان به خدا را به منزله عملی انتخابی و اختياری فراهم کند. آنچه در عملکرد دينی بسيار سفارش شده است، ابتناي عمل بر اراده مسبوق بر آگاهی است. مسلمان در اعمال خود صرفاً تعبدی عمل نمی کند، تأكيد فراوان اسلام بر نيت، همزمان بر دو مؤلفه اساسی آگاهی و اراده تأكيد می کند. لذا ايتار زمانی به عنوان عمل، پذيرفته است که اندیشه ورزی و دانش نسبت به آموزه های دينی مقوم و مؤيد ايتار را با خود به همراه داشته باشد.

۴- اندیشه ورزی و کسب بينش و دانش نسبت به قوانين طبيعي: آشنایی با طبيعت، از یک سو عاملی برای شناخت خالق آن است و از سوی ديگر مقدمه‌اي است برای امکان تصرف در

طبیعت و سامان‌بخشی به حیات دنیوی. ایثارگر به معرفت یقینی نسبت به خلقت حکیمانه الهی رسیده است، اینکه هر عملی در طبیعت و ذات خود عکس‌العمل خاص خود را به همراه دارد و از آنجا که خداوند را به عنوان بصیر، علیم، حی، حاضر، مالک و جبار می‌شناسد، اطمینان دارد که عمل خیر او اگرچه از نظر مردم پنهان بماند، جایگاهش نزد خداوند محفوظ خواهد بود.

۵- مهارت تصرف مسئولانه در پدیده‌های طبیعی: انسان در قبال استفاده از پدیده‌های طبیعی مسئول است و باید در مواجهه با طبیعت همواره به خود یادآوری کند که مالک حقیقی خداست و او از خود چیزی ندارد که بخواهد نسبت به آن حرص بورزد. با چنین رویکردی، ایثارگری، معنای تصرف مسئولانه را به خوبی تداعی می‌کند تا فرد ایثارگر تمامی داشته‌های خویش را امانت بداند و ایثار را صرفاً بازگرداندن امانت به صاحب اصلی آن تلقی کند.

۶- اندیشه‌ورزی و کسب بینش و دانش نسبت به پدیده‌های انسانی: چنین بینشی در ارتباط با نهادهای انسانی و قوانین حاکم بر آنها به فرد کمک می‌کند تا روابط خود با این نهادها را بهتر سامان دهد. در ورای این بینش احساس مسئولیت نسبت به سایر انسان‌ها پدید می‌آید که فرد را برای فداکاری و گذشت از حق خویش آماده می‌کند.

۷- افزایش قابلیت مشارکت و مداخله مؤثر اجتماعی: که توانایی بیرون آمدن از پوسته فردی و برقراری ارتباط با دیگران را فراهم می‌کند. در چنین شرایطی فرد به این درجه از بینش می‌رسد که در مراودات اجتماعی خود برای کسب رضای حق تعالی گاهی باید از حقوق و نیازمندی‌های خود بگذرد و به جای آن در صدد رفع نیاز دیگران برآید.

۸- قابلیت درک و تمیز میان زشت و زیبا و گرایش به امور زیبا: تحقق این هدف واسطی در راستای تقرب به خداوند سبب می‌شود که در نهایت انسان همه خیر و زیبایی‌ها را از آن خداوند ببیند و تا جایی پیش رود که در شرایط سخت زندگی کلامش «و ما رأیت أَلَا جمیلاً» باشد. همین زیبایی‌های ایثار است که در اوج خود در عمل شهدا جلوه‌گر می‌شود.

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی نهایی یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان وجه مشترکی برای توجیه رفتارهای ایثارگرانه در همه انسان‌ها در نظر گرفت و آن هم در اولویت قرار گرفتن متعلق ایثار است. به

عبارت دیگر در هر زمان و مکانی که فردی بخواهد از مال و جان و... خود - با وجود نیاز خودش بدان - بگذرد می‌بایست متعلق این ایثار و فداکاری در نظرش مهم‌تر از جان و مال و... تلقی شود. با این وصف ایثار گاهی مذموم نیز می‌شود؛ و آن زمانی است که انسان در تشخیص اولویت‌های زندگی دچار مشکل شود و بخواهد در راهی دارایی‌اش را فدا کند که به حق نبوده و ارزش این فداکاری را نداشته است. در این صورت وقتی که حقیقت روشن می‌شود، جز پشیمانی و خسران برای او نمی‌ماند. البته چنین فداکاری از منظر اسلام صرفاً خرج کردن مال و جان و... است و براساس شاخصه‌ها و معیارهای ایثار نمی‌توان نام ایثار و فداکاری را بر آن نهاد. چرا که دین مبین اسلام برای ایثار، جایگاه رفیعی قائل است و مبنای بروز و ظهور آن را ایمان و معرفت انسان ذکر می‌کند. البته رسیدن به این درجه از معرفت برای آحاد جامعه ممکن نیست، اما تلاش برای کسب آن امری است که به صورت عام و همگانی بدان توصیه شده است و همین تلاش و سعی است که می‌تواند جایگاه انسان را به قرب و رضوان الهی نزدیک کند (و آن لیس للإنسان الا ما سعی. ۳۹/نجم). بنابراین، ضرورت پرداختن به آموزه ایثار در نظام آموزشی برای ساختن جامعه‌ای متعالی بیش از پیش ضرورت می‌یابد، اگرچه ایثار اغلب در حوزه تربیت اخلاقی مطرح می‌شود، اما می‌توان با توجه به جنبه معرفتی آن، برای ترویج و تبلیغ آن در حوزه آموزش رسمی هم اقداماتی انجام داد و به درونی کردن این ارزش اخلاقی بر بنیاد تقویت بعد معرفت‌شناسانه آن کمک کرد. بر همین اساس در برنامه‌ریزی‌های آموزشی نیز باید به شکل‌گیری و تقویت مبانی ایثار در درون افراد و در نهایت بروز رفتارهای ارزشی و هنجاری بر پایه آن‌ها توجه کرد. البته به طور قطع در شکل‌گیری یک رفتار، عوامل متعددی دخیل هستند. جامعه، خانواده، شخصیت خود فرد و... بخشی از این عوامل است که در حوزه ترویج فرهنگ ایثار نیز مطرح می‌شود. اما برای ترویج فرهنگ ایثار از طریق نظام آموزش رسمی می‌بایست متخصصان علوم تربیتی در حوزه‌هایی چون تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، تکنولوژی آموزشی، برنامه‌ریزی درسی، روان‌شناسی تربیتی و نیز متخصصانی در حوزه‌های جامعه‌شناسی و تاریخ گرد هم آیند و با توجه به شرایط آموزش و پرورش برنامه‌ریزی کنند. البته، مهم‌ترین امر در ترویج فرهنگ ایثار این است که متولیان امر تربیت تا آن جا که می‌توانند خود نیز الگوی ایثار و فداکاری و گذشت باشند. اثر یک الگوی مناسب در روند تربیت اخلاقی افراد را نمی‌توان انکار کرد. پس

برای تحقق ایثار و فضایی از این قبیل، یک اقدام همگانی لازم است. البته انجام دادن رفتار ایثارگرانه با توجه به معیارهای آن دشوار است، اما کسانی که به این درجه از معرفت و ایمان نرسیده‌اند می‌توانند حداقل رفتارهای توأم با ایثار و گذشت را در سطح جامعه، شناسایی و تجلیل کنند. مسلماً چنین تمجید و ستایشی باید هم در گفتار و هم در رفتار ایشان بروز کند.



منابع

- استیونسن، لسلی (۱۳۶۸). *هفت نظریه درباره طبیعت انسان*. ترجمه بهرام محسن پور. تهران: رشد.
- امام جمعه زاده، سیدجواد و افتخاری، حبیب‌اله (۱۳۸۷). فرهنگ شهادت عامل هویت بخش عصر جهانی شدن. *مجموعه مقالات همایش ملی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت*. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- باقری، خسرو (۱۳۷۵). انسان به منزله عامل بحثی تطبیقی درباره پیش فرض‌ها در روان‌شناسی. *فصلنامه حوزه و دانشگاه*، ۳(۹): ۲۴-۲۸.
- (۱۳۸۹). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، ج ۱. تهران: مدرسه .
- (۱۳۸۸). *بررسی تطبیقی طرحواره اسلامی عمل با انسان‌شناسی (پسا)ساختارگرا، فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۹(۹۸): ۳۶-۹.
- باقری، خسرو و سجادیه، نرگس (۱۳۸۴). عاملیت آدمی از دیدگاه ریچارد رورتی و پیامدهای آن در تربیت اجتماعی، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۴(۱۳): ۱۱۱-۱۳۲.
- بانوی اصفهانی (۱۳۶۰). *اخلاق*. تهران: نهضت زنان مسلمان.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۲). *دائرة المعارف قرآن کریم*، ج ۵. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- خسروی، زهره و باقری، خسرو (۱۳۸۷). راهنمای درونی کردن ارزش‌های اخلاقی از طریق برنامه درسی، *مطالعات برنامه درسی* ۳(۸): ۸۱-۱۰۵.
- دشتی، محمد (۱۳۸۵). *ترجمه نهج البلاغه*، قم: قدس.
- سجادیه، نرگس (۱۳۹۴). نقد و بررسی رویکرد سواد اخلاقی از منظر عاملیت انسانی، *مجله پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت*، ۵(۲): ۸۸-۱۰۹.
- سیدباقری، سیدکاظم (۱۳۸۸). هستی‌شناسی فلسفه سیاسی در حکمت متعالیه. *قبسات* (۱۴): ۱۰۵-۱۳۸.
- شرفی، محمدرضا (بی‌تا). *تعلیم و تربیت اسلامی پیشرفته*. تهران: دانشگاه تهران.
- شیخ صدوق (۱۳۸۵). *من لایحضره الفقیه*، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طاهریپور، محمدشریف (۱۳۹۰). تبیین مبانی هستی‌شناسی اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام. *اسلام*

و پژوهش‌های تربیتی، ۳(۱):۷۵-۵۳.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). مجموعه تفسیر المیزان. ترجمه محمدباقر موسوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

عبدالحمید، مهدی و پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۰). تبیین ویژگی‌های مانایی و پایداری در سازمان‌های متمایل به ایثار. مدیریت اسلامی، ۱۹(۲): ۹-۳۴.

علی‌خانی، اسماعیل (۱۳۸۹). اخلاق در آیین یهود. معرفت اخلاقی، ۱(۳): ۹۴-۶۵.

عمید، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ عمید. تهران: امیرکبیر.

غلامی، محمد و یوسفی، محمد تقی (۱۳۹۴). بررسی انتقادی دیدگاه فیلسوفان ذهن درباره چیستی و مبادی عمل اختیاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه باقرالعلوم.

قرائتی، محسن (۱۳۸۸). مجموعه تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قرشی بنابی، علی‌اکبر (۱۳۷۵). تفسیر احسن الحدیث، ج ۱۲. تهران: بنیاد بعثت.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷). اصول کافی، ترجمه مهدی آیت الهی، تهران: جهان‌آرا.

محروقی، زهرا (۱۳۹۲). ارزش ایثار در قرآن و سنت. مشهد: مدرسه علمیه نرجس (س).

محمدی بیده، فاطمه (۱۳۹۱). «مبنای اخلاق در آیین یهود». پایگاه اینترنتی تبیان.

مدنیفر، محمدرضا (۱۳۹۴). اهداف واسطی تربیت در دوران کودکی براساس رویکرد اسلامی عمل. تربیت اسلامی، ۱۰(۲۱): ۵۵-۲۹.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۶). فلسفه اخلاق. تهران: صدرا.

..... (۱۳۸۰). دین و دوران. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). مجموعه تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). پیام قرآن، ج ۵. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

موحدی پارسا، فاطمه، صادق زاده قمصری، علی‌رضا و باقری، خسرو (۱۳۸۷). تبیین نقش

مبادی عمل در تربیت دینی بر اساس الگوهای قرآن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران:

دانشگاه تربیت مدرس.

نراقی، ملامهدی (۱۳۹۰). معراج السعاده. تهران: آدینه سبز.

A group of writers (2003). *Quranic Encyclopedia*, Vol. 5. Qom: Islamic Publicity Office of the Qom Hawzah (Text in Persian).

Abdolhamid, M. and Pourezate, A. A. (2011). Explaining the characteristics of



- persistence in satirical organizations. *Islamic Management*, 19(2): 9-34(Text in Persian).
- Ali Khani, I. (2010). "Ethics in the Jewish Religion." *Ethical Knowledge*, 1(3): 94-65(Text in Persian).
- Amid, H. (2003). *Amid dictionary*. Tehran: Amir Kabir(Text in Persian).
- Bagheri, Kh. (1996). Man as agent an adaptive discussion about presuppositions in psychology. *Quarterly Journal of Hawzah and University*, 3(9): 24-28(Text in Persian).
- Bagheri, kh. and Sajjadiyeh, N. (2005). Human agency from Richard Rorty's perspective and its implications in social education, *Quarterly Journal of Educational Innovations*, Fourth Year, (13): 111-132(Text in Persian).
- Bagheri, kh. and Khosravi, Z. (2008). Guide to Internalizing Ethical Values Through Curriculum, *Curriculum Studies*, 3(8): 81-105(Text in Persian).
- Bagheri, Kh. (2009). Comparative analysis of Islamic schema of action and (post) structuralist anthropology. *Journal of Education*, 98: 36-98(Text in Persian).
- Bagheri, Kh. (2010). *Second look at Islamic education*, 1. Tehran: school(Text in Persian).
- Dashti, M. (2006). *Translation of Nahj al-Balaghah*, Qom: Quds Publishing(Text in Persian).
- Gharati, M. (2009). *Noor Commentary Set*. Tehran: Cultural Center Lessons from the Koran(Text in Persian).
- Gholami, M. and Yousefi, M. T (2014). *Critical Examination of the Viewpoint of the Philosophers of the Mind on What and the Basis of Optional Action*, Master's Thesis, Qom: Baqerul-ulum University(Text in Persian).
- Ghorashi Bonabi, A. A. (1996). *Ahsan al-Hadith Commentary*, 12. Tehran: Be'sat Foundation(Text in Persian).
- Imam Jumazadeh, S. J., Eftekhari, H. (2008). The culture of martyrdom is the identity factor of the era of globalization. *Proceedings of the National Conference on the Promotion of the Culture of Sacrifice and Martyrdom*. Isfahan University of Isfahan(Text in Persian).
- Kulayni, M.B.Y. (1994). *Al-Kāfi*, Translation by Ayatollah Mehdi, Tehran: Jahan Ara(Text in Persian).
- Lady Isfahani (1981). *Ethics*. Tehran: The Muslim Women Movement(Text in Persian).
- Madani Farr, M. R. (2015). The mediating goals of childhood education based on the Islamic approach. *Islamic education*, 10(21):(Text in Persian).
- Mahrooghi, Z. (2013). *The value of sacrifice in the Quran and the Sunnah*. Mashhad: Alameh Narjes School (pbu) (Text in Persian).
- Makarem Shirazi, N. (1993). *Nemooneh Commentary Set*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah(Text in Persian).
- Makarem Shirazi, N. (2007). *Message of the Quran*, 5. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah(Text in Persian).
- Mohammadi Beede, F. (2012). The basis of ethics in the Jewish religion. Tebyan website(Text in Persian).

- Motahari, M. (1987). *Ethics Philosophy*. Tehran: Sadra(Text in Persian).
- Motahhari, M. (2001). *Religion and era*. Tehran: Imam Sadeq University (pbu) (Text in Persian).
- Movahedi Parsa, F., Sadeghzadeh Ghamsari, A. R. and Bagheri, kh. (2008) *Explaining the Role of Basis of Action in Religious Education Based on Quranic Patterns*, Master's Thesis, Tehran: Tarbiat Modares University(Text in Persian).
- Naraghi, M. M. (2011). *Miraj al-Sa'adeh*. Tehran: Adineh Sabz(Text in Persian).
- Sajadieh, N. (2016). Criticizing and Examining Moral Literacy: An Agentic Perspective, *Journal of Foundations of Education*, 5(2): 88-109(Text in Persian).
- Seyed Bagheri, S. K. (2009). The Ontology of Political Philosophy in Transcendental Wisdom. *Ghabsat*, 14: 105-138(Text in Persian).
- Sharafi, M. R. (----). *Advanced Islamic Education*. Tehran: Tehran University(Text in Persian).
- Sheikh Sadukh (1992). *Man La yahdir al-Faghih*, translated by Ali Akbar Ghaffari, Tehran: Dar al-Kotob al-Islam(Text in Persian)..
- Stevenson, L. (1989). *Seven theories about human nature*. Translated to B. Mohsenpour. Tehran: Roshd(Text in Persian).
- Tabatabaee, M. H. (1995). *Al-Mizan Commentary Set*. Translation by Mohammad Bagher Mousavi. Qom: Islamic Printing Office(Text in Persian).
- Taherpour, M. Sh. (2011). Explaining the foundations of the ontology of sexual morality from the point of view of Islam. *Islam and Educational Research*, 3(1): 53– 75(Text in Persian).

طراحی و تولید بازی رایانه‌ای آموزشی مبتنی بر مدل طراحی آموزشی DODDEL: یک پژوهش تکوینی

زین العابدین صفدری*^۱ و عباس تقی‌زاده^۲

چکیده

هدف این تحقیق طراحی، تولید، اجرا و ارزشیابی بازی رایانه‌ای آموزشی قیفاووس مبتنی بر مدل طراحی بازی‌های رایانه‌ای DODDEL برای آموزش مفاهیم نورشناسی به دانش‌آموزان پایه ششم در درس علوم بود و ضمن این فرآیند به ارزشیابی این مدل طراحی آموزشی نیز اقدام شد. این تحقیق با رویکرد کیفی و روش پژوهش تکوینی با طرح ارزیابی مدل انجام شد و در آن چهار گروه شرکت کردند: گروه متخصصان موضوع، گروه کارشناسان طراح بازی‌های رایانه‌ای، گروه کارشناسان طراح آموزشی، و گروه کاربران نهایی. داده‌های تکوینی این پژوهش با سه ابزار مشاهده، مصاحبه نیم‌ساختاریافته، و بررسی مستندات مدل جمع‌آوری شد. تحلیل داده‌های کیفی این مطالعه نشان دادند که به‌رغم مشکلات و محدودیت‌های فراوان بر سر راه تولید قیفاووس این نمونه اولیه تا حدود نسبتاً خوبی توانسته اصول طراحی بازی‌های رایانه‌ای و اصول رویکرد یادگیری مبتنی بر بازی‌های رایانه‌ای را رعایت کند. همچنین، تحلیل یافته‌های تکوینی این پژوهش نقاط قوت و ضعف هر یک از مراحل مدل مذکور را مشخص کرد و برای برطرف کردن آن‌ها و بهبود مدل مذکور، محققان پیشنهاد دادند فرآیند این مدل از شمای خطی به غیرخطی تبدیل شود؛ مؤلفه‌های نیازسنجی و بازاریابی محصول نهایی در مرحله آنالیز موقعیت لحاظ شود؛ و زمان و چگونگی ارزشیابی مفاهیم آموزشی در بازی و سیستم راهنمایی بازی در مرحله مستند طراحی گنجانده شود.

کلید واژه‌ها: بازی‌های رایانه‌ای آموزشی، طراحی آموزشی، مدل طراحی آموزشی DODDEL، پژوهش تکوینی

۱. نویسنده مسئول: دانش‌آموخته دکتری تکنولوژی آموزشی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
z.safdari@modares.ac.ir

۲. دانش‌آموخته دکتری تکنولوژی آموزشی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
DOI: 10.22051/jontoe.2018.18541.2064



New Thoughts on Education
Faculty of Education and Psychology,
Al-Zahrā University

Vol.14, No.3
Autumn 2018

The Interpretation of Isar (Altruism) as the Foundation, Principle, and Method of Education, Emphasizing the Triple Basis of Action

Maryam Banahan¹

Assistant professor, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University,
Tehran, Iran

Zahra Habibzadegan

MA in History and Philosophy of Education, Alzahra University, Tehran, Iran

Abstract

Development and expansion of human interactions require virtues like “Isar” which has individual and social desirable results that can protect human relationships. The philosophical foundation of Isar and its educational stance was regarded as a moral and epistemic action in this research. The research method is descriptive-analytic. The philosophical foundations of "Isar" with regard to the triple basis of action from the perspective of "human the agent" theory in Islam was examined. Then, the place of “Isar” in Islamic education has been analyzed, firstly, for the ultimate goal and intermediate goals, and then, as the educational foundation, principle and method separately. The Islamic distinctive feature and its acceptance condition of the altruistic actions referred simultaneously to the triple (cognitive, motivational, and voluntary) basis of action. According to the intermediate goals in Islamic theory of action, “Isar” contains specific goals. The results showed that the common feature of “Isar” for all agents is the preference of belief about what “Isar” belonged to in the moment of action.

Keywords:

Philosophical foundations, Isaar (Altruism), The triple basis of action, Educational foundations

¹ Corresponding author: mbanahan@gmail.com

Submit Date :2018-06-12

Accept Date :2019-01-05

DOI:10.22051/jontoe.2019.20763.2245